



درس کلام استاد ربانی

۹۹/۰۴/۰۵

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

موضوع: چرایی و چگونگی جهنم

فلسفه و چرایی جهنم و عذاب های آن

حاصل بحث در گفتار پیشین این شد که عذاب های الهی دو گونه است: عذاب هایی دنیوی و عذاب های اخروی. **گونه اول نیز دو قسم است:** عذاب های تادیبی و استیصالی. عذاب تادیبی بدان جهت است که انسان به خطای خود پی برده و از مسیر انحراف به مسیر درست بازگردد. در قرآن کریم وقتی از این عذاب ها یاد شده با تعبیر: «**لعلهم يرجعون**» یاد شده است. **قسم دوم** که عذاب استیصال است با مرگ انسان همراه است. در این عذاب دیگر عبرت آموزی برای فرد در کار نیست زیرا امکان بازگشتی برای او وجود ندارد.

در عذاب های اخروی نیز تادیب و عبرت گیری برای فرد نیست و بعد از مرگ و قیامت بر فرد گنهکار وارد می شود. تفاوت این عذاب با عذاب استیصال این است که در عذاب های اخروی مرگی برای فرد در کار نیست و آن عذاب تکرار می شود. بنابراین نمی توان گفت که غرض از عذاب های اخروی و جهنم، تادیب و بازگشت است. و این خلاف این نظر با آنچه در آیات قرآن بیان شده سازگاری ندارد.

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

دروس سطوح عالی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنما

تقریر نویسی

مشکلات

ثبت نام

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

نرم افزارها

پخش زنده-کامپیوتر

پخش زنده-اندروید

آرشیو مدرسه فقاها

اکنون این سوال مطرح می‌شود که غرض از عذاب‌های اخروی چیست؟ به تعبیر دیگر فلسفه جهنم چیست؟ نقطه مقابل آن چیست؟ فلسفه بهشت و نعمت‌های بهشتی است. قبلاً گفته شد که در این گونه مباحث بهترین و استوارترین راه، وحی الهی و قرآن کریم است. در آیات قرآن درباره جهنم و عذاب‌های آن بر دو مطلب تاکید شده است:

مطلب اول: تمیز و جداسدن خبیث از طیب، صالح از فاسق و مومن از کافر و مشرک. «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ. لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» [۱]: مسلماً کسانی که کافرند، اموالشان را هزینه می‌کنند تا مردم را از راه خدا بازدارند، و به زودی همه اموالشان را [برای جلوگیری از گسترش اسلام] هزینه می‌کنند؛ سپس [این عمل] برای آنان مایه حسرت و ندامت می‌شود [زیرا خواهند دید که ثروتشان را از دست داده‌اند و اسلام هم گسترش یافته] و آن گاه مغلوب می‌شوند، و آنان که کافرند به سوی دوزخ محشور خواهند شد. تا خدا ناپاکان را از پاکان جدا کند، و ناپاکان را روی یکدیگر گذارد، پس همه را متراکم و انباشته سازد و یکجا در جهنم قرار دهد؛ [به راستی] آنانند که زیانکار واقعی‌اند در دنیا صالحان و فاسقان در یک جا زندگی می‌کنند و در بهره‌مندی از زندگی دنیا تمایزی میان آنان نیست اما در قیامت اینگونه نیست.

در سوره سجده می‌فرماید: ﴿أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ (۱۸) أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۹) وَ أَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَ قِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا

عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ» [۲] : با این حال آیا کسانی که مؤمن‌اند مانند کسانی هستند که بدکار و نافرمان‌اند ؟ [نه هرگز این دو گروه] مساوی نیستند. اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند ، برای آنان بهشت‌هایی که اقامت‌گاه دائمی است خواهد بود [که به آنان] به پاداش اعمالی که همواره انجام می‌دادند ، پیشکش می‌شود. اما کسانی که نافرمانی کرده‌اند اقامتگاهشان آتش است ، هرگاه بخواهند از آن بیرون آیند آنان را در آن بازمی‌گردانند، و به آنان گویند : عذاب آتش را که همواره آن را تکذیب می‌کردید بچشید.

در جای دیگر می‌فرماید: «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» [۳]
: آیا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند مانند مفسدان در زمین قرار می‌دهیم یا پرهیزکاران را چون بدکاران؟!

علامه طباطبایی در المیزان [۴] در باره این آیه می‌فرماید: هر موجودی و از جمله انسان برای خود کمالی دارد. مثلاً بذر گندم کمالش این است که تبدیل به سنبل شده و هر دانه به چندین دانه تبدیل شود. کمال انسان چیست؟ کمال او این است که در ساحت علم و عمل، استعدادهای خود را به فعلیت برساند. و نحوه آن اعتقادات حق را بپذیرد و اعمال نیکو انجام دهد. این دو همان چیزی است که فطرت انسان او را به آن سوق می‌دهد. صلاح جامعه انسانی به ایمان، اعتقادات حق و اعمال صالح است. انسان‌هایی که به کمال مطلوب رسیده‌اند همان مومنان راستین هستند و فاسقان و فجار به کمال و فعلیت مطلوب نرسیده و در زمینه انسانیت ضرر کرده‌اند.

ما به ازاء دستیابی مومنان به کمال مطلوب، یک زندگی پاک و طیب همراه با سعادت است و ما به ازاء عملکرد فاسقان، زندگی متناسب با آن است. این عالم چون تحت تاثیر عوامل مادی دنیوی

است، نسبت به کمال و نقص مومن و کافر مساوی است. و اگر عالمی متناسب به این دو گروه نباشد، با عدالت و عنایت الهی منافات دارد. اگر با کسی که قابلیت های ویژه ای برای خود کسب کرده، همانند کسی که این قابلیت ها را بدست نیاورده در مقام جزاء یکسان برخورد شود، خلاف عدالت است. این مانند ا» است که معلمی در پایان دوره و گرفتن امتحان، به کسانی که زحمت کشیده و پاسخ درست داده اند و کسانی که بدون تلاش امتحان داده اند یکسان نمره دهد.

مقتضای حکمت و عدالت الهی این است که عده ای اهل دوزخ و عده ای اهل بهشت شوند. بنابراین چرایی و فلسفه دوزخ برای این نیست که آنان برگردند و عبرت بگیرند، بلکه برای آن است که آنچه را اقتضای آن را دراند و زمینه آن را برای خود فراهم کرده اند برایشان تحقق پیدا کند. بله آنچه مایع عبرت گیری در مورد جهنم و اهل آن است، آگاهی و بیان آن است نه واقعیت آن. به همین خاطر است که این مساله در قرآن مکرر بیان شده است تا برای افراد جنبه تادیبی داشته باشد.

ادامه مباحث در جلسات بعد بیان خواهد شد.

[۱] انفال/سوره ۸، آیه ۳۶ و ۳۷.

[۲] سجده/سوره ۳۲، آیه ۱۸ تا ۲۰.

[۳] ص/سوره ۳۸، آیه ۲۸.

[۴] المیزان، علامه طباطبائی، ج ۱۷، ص ۱۹۶-۱۹۷.



